چرایی و چگونگی حمایت علما از تولیدات ایرانی در عصر قاجار

سعید نجفی‌نژاد[1]

چکیده

با روی کار آمدن حکومت قاجار، آرامش نسبی در ایران حاکم شد و در ظاهر، فضا برای رشد و توسعه اقتصادی تا حدودی فراهم گردید. اما بنا به دلائلی از جمله ضعف پادشاهان، تمایل زیاد دولت‌های روسیه و انگلیس برای نفوذ در ایران و عدم وجود زیرساخت‌های لازم در کشور برای گسترش اقتصادی، نه تنها انتظارات در زمینه ارتقا کیفیت زندگی ایرانیان محقق نشد، بلکه در مقاطعی، وضعیتی نامناسب‌تر از گذشته به خود گرفت. در این شرایط، برخی علما برای حمایت از تولیدات داخلی در برابر سلطه اقتصادی غرب اقداماتی انجام دادند. این پژوهش با استفاده از داده‌های تاریخی و به روش توصیفی ـ تحلیلی درصدد است علل و نحوه مواجهه علما با حضور گسترده کالاهای خارجی در بازار ایران را بررسی کند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل حمایت از تولیدات ایرانی از سوی علما، انگیزه‌های مذهبی برای جلوگیری از سیطره سیاسی ـ فرهنگی غیرمسلمانان بر جامعه اسلامی بوده است. این حمایت‌ها، عمدتاً از طریق تبیین ابعاد موضوع و ذکر مزایای استفاده از تولیدات داخلی و آثار سوء وابستگی به کالاهای خارجی صورت می‌پذیرفت.

واژگان کلیدی: قاجار، علما، تولیدات داخلی ایرانی، وابستگی به کالای خارجی، سلطه بیگانگان بر جامعه اسلامی.

۱. دکتری تاریخ اسلام دانشگاه آزاد واحد نجف‌آباد اصفهان و محقق رسمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران؛ s.nagafinezhad@gmail.com.

مقدمه

ظهور استعمارگران غربی در ایران و نفوذ آنها در عرصه سیاست و اجتماعِ عصر قاجار، پیامدهایی برای جامعه ایرانی به دنبال داشت که از جمله آنها می‌توان به ورود تدریجی تولیدات غربی به بازارهای ایران اشاره کرد. این امر با وجود برخی مزایا، معایب زیادی نیز در پی داشت. علاوه بر تخریب اقتصاد داخلی و وابستگی به اجناس خارجی، در حوزه فرهنگ اجتماعی نیز نوعی ازخودبیگانگی و وادادگی فرهنگی در جامعه ایجاد می‌شد که تبعات نامطلوبی به دنبال داشت. اما دولت ایران، ضعیف‌تر و کم‌اراده‌تر از این بود که به فکر اجرای برنامه‌هایی برای مقابله با این وضعیت نوپدید باشد؛ ازاین‌رو، مواجهه دراین‌زمینه به‌صورت مردمی و با رهبری علما انجام می‌شد. علما قصد داشتند تا حد امکان، شتاب حرکت تبدیل سبک زندگی اسلامی به سبک زندگی غربی را کاهش دهند و بر این اساس، بر لزوم دوری از فرنگی شدن زندگی مردم تأکید داشتند.

نوشتار حاضر با بررسی رویکرد علمای عصر قاجار در قبال فراخواندن جامعه به سمت استفاده از تولیدات داخلی، سعی دارد نقش آنها را در این فرایند مشخص سازد. چندین متغیر در ارتباط با این موضوع مطرح است که از جمله مهم‌ترین آنها، می‌توان به وضعیت اقتصاد ایران در عصر قاجار و میزان نفوذ اقتصادی روس و انگلیس در بازار ایران اشاره کرد.

تعداد آثاری که به طور مستقل به این موضوع پرداخته باشند، بسیار اندک است. مهدی ابوطالبی، از جمله معدود محققانی است که به طور اختصاصی به این بحث ورود کرده و با تألیف مقاله‌های «نقش علمای شیعه در حمایت از تولید و سرمایه مالی ایران» (نشریه کیهان فرهنگی، سال ۱۳۹۷، شماره ۳۷۶ و ۳۷۷، صفحات ۷۰ تا ۷۸) و «نقش علمای شیعه در حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی در دوره قاجار» (مجله تاریخ اسلام در آئینه پژوهش، سال ۱۳۹۲، شماره ۳۵، صفحات ۵ تا ۲۶) گامی در تبیین اقدامات علما در حمایت از تولید ملی در عصر قاجار برداشته است. علاوه بر این، عموماً نزدیک‌ترین آثار به موضوع این پژوهش، تحقیق‌هایی است که یا به طور کلی به جایگاه و نقش علما در عصر قاجار پرداخته‌اند و یا آثاری که در ارتباط با اقتصاد قاجاری به نگارش درآمده‌اند. در خلال این نوع پژوهش‌ها، اشاراتی گذرا به حمایت

علما از تولیدات داخلی و دعوت مردم به مسئولیت‌پذیری اجتماعی دراین‌زمینه شده است. همچنین یکی از اقدامات عملی علما در راه حمایت از تولیدات داخلی، تأسیس شرکتی به نـام «اسـلامیه» بـود که چند مقاله به طـور اختصاصی، به معرفی و تبیین نقش این شـرکت در پشـتیبانی از اقتصـاد داخلی ایـران عصر قاجار پرداخته‌اند. از جملـه این مقالات می‌توان به «شرکت اسلامیه» تألیف داود قاسم‌پور، (دانشنامه جهان اسلام، جلد ۲۷، صفحات ۳۶ تا ۳۹) «تحلیلی بر شرکت اسلامیه، تجربه اقتصاد مقاومتی در ایران دوره قاجار»، نوشته مریم حایک (فصلنامه پژوهشـنامه تاریخ، سـال ۱۳۹۵، شـماره ۴۵، صفحات ۱۹ تا ۴۴) و «نقش و آثار شـرکت اسلامیه در اندیشه خودکفایـی» اثـر مصطفی مرتضوی (نشـریه کیهان فرهنگی، سـال ۱۳۹۰، شـماهر ۲۹۸، صفحـات ۲۰ تا ۲۳) اشاره کرد.

۱. وابستگی اقتصاد ایران به کالاهای خارجی در دوره قاجار

اقتصـاد قاجـاری، یکـی از مصادیق اقتصاد در جوامع سـنتی و معیشـتی اسـت. در این اقتصـاد، تولیـد بـه روش سـنتی و بـا ابزارهـای اولیـه انجـام می‌شـد. بااین‌حـال، در دوره اول حکومـت، جامعـه بـا وجود نواقـص فراوان در بخـش اقتصـاد، خودگردانی اولیه نسـبتاً خوبی داشته و جوابگوی نیازهای جامعه سنتی ایران بوده است.

مهم‌ترین محصولات تولیدی و صادراتی ایران در دوران قاجار عبارت بودند از: پارچه‌های دسـتباف، فرش، برنج، خشـکبار، گردو، تریاک، ابریشـم، پشـم و پنبه (فوران، ۱۳۷۷، ص۱۸۰). در بخش‌های کشـاورزی، باغداری و دامپروری، قابلیت‌های زیادی وجود داشـت که بخشـی از آنها، به تولید محصول نهایی منجر شـده بود. صنعت نیز به شـکل سـنتی آن در جریان بود و محصولات مورد نیاز مردم به‌صورت دست‌ساز در همه جا کم‌وبیش یافت می‌شد.

با گذار از این دوران و آشنایی ایران با مدرنیته، نیازهای جدیدی برای جامعه ایران مطرح شـد و برخـی از مـردم با دیـدن اجناس اروپایی، به داشـتن آنها تمایل پیدا کردند. اما مشـکل اصلـی اینجـا بود که ایـران به‌هیچ‌وجه زیرسـاخت‌های لازم برای تولید کالاهـای اروپایی را در اختیار نداشـت و برای تأمین نیازهای جدید مردم مجبور شـد کالاهای فرنگی را وارد کند. با ورود این کالاها به کشور، تبلیغ مصرف‌گرایی و استفاده از کالاهای لوکس نیز ناخواسته انجام

می‌شد. از این پس، جامعه ایران به یک‌باره خود را در میدانی نابرابر یافت که از یک‌سو در داخل کشور، درخواست برای کالاهای غربی روزبه‌روز افزایش می‌یافت و از سوی دیگر، امکان تولید این محصولات در داخل فراهم نبود؛ چراکه نیاز به کارخانجات و فناوری جدید بود که در ایران یافت نمی‌شد.

شاید سخنان نویسنده کتاب «گوهر مقصود»، به‌خوبی نشان‌دهنده میزان وابستگی اقتصاد ایران به محصولات غربی در آن روزگار باشد: «امروز از ابتدای ولادت، باید قابلهٔ فرنگی و دوا و غذای ما از مال فرنگی باشد و بعد از ولادت، اول چیزی که کام ما را از آن برمی‌دارند، قند یا نبات است، آن هم مال فرنگی. بدن‌های معصوم ما را خبیث می‌کنند به لباس‌های فرنگی و تا دم مردن، تمام ملبوس و لوازم زندگانی ما از فرنگی، حتی قرآن و کتب مذهبی ما از کاغذ فرنگی» (طهرانی، ۱۳۸۵، ص۳۰۲). در سیاحتنامه ابراهیم بیگ هم به طعنه آمده: «از کاغذ قرآن گرفته تا کفن مردگان خودتان، محتاج فرنگان‌اید» (مراغه‌ای، ۱۳۸۵، ج۱، ص۱۹۷). در کل به نظر می‌رسد فرنگی‌سازی جامعه ایران، با شتاب نسبتاً زیادی در حال پیشروی بوده است. حتی گفته می‌شود علاوه بر کتاب‌فروشی‌ها، شیرینی‌پزی‌ها، دکان‌های کالاهای فرنگی، رفته‌رفته هتل، رستوران و خوراک‌های فرنگی هم باب می‌شدند. (ناطق، ۱۳۸۰، ۴۱)

در این شرایط بود که بسیاری از علما و وطن‌پرستان، به فکر حمایت از تولیدات داخلی افتاده و حتی اندیشه تحریم کالاهای خارجی هم شکل گرفت. اندیشه‌ای که بیشتر از آنکه خاستگاه ملی داشته باشد، خاستگاهی دینی داشت.

۲. مبانی نظری حمایت از تولیدات داخلی

علما در مقاطعی از دوره قاجار، بر اساس برخی موازین اصولی، بر استفاده از تولیدات داخلی تأکید می‌کردند. مبنای اصلی این تأکیدات، آموزه‌های مذهبی بود. آنها در بخش شناختی، سعی می‌کردند شرایط را بر اساس موازین دینی تبیین کرده و با اقناع مردم در ارتباط با خطر سلطه اقتصادی غرب، مردم را در راستای استفاده از کالاهای داخلی برانگیزند. برخلاف حکام قاجاری که کمتر به این امور توجه داشتند، علما در زمینه جلوگیری از سیطره اقتصادی اجانب بر بازار مسلمانان، احساس تکلیف کرده و با اتکا به آیات و روایاتی که در

ایـن بـاره وجـود دارند، به اهمیت اسـتفاده از تولیدات داخلی برای تقابل با سـلطه اقتصادی غرب تأکید می‌ورزیدند.

۲ـ۱. حمایت بر اساس تعالیم مذهبی

دوره قاجـار بـا تمام کاسـتی‌ها و مشـکلات اقتصادی، بـه لحاظ میـزان پایبندی عمومی مردم به دین و مذهب، یکی از ادوار مثال‌زدنی در تاریخ ایران دوره اسلامی بوده است. بخش اعظم تلاش‌های مبلغانِ اسـتفاده از کالاهای ایرانی در عصر قاجار، بر تعالیم مذهبی اسـتوار بوده است. برای یک جامعه مذهبی مانند ایران، بهترین و کارآمدترین مشوق‌ها دراین‌زمینه، نیروهای انگیزشـی مذهبی بودند. با این اوصاف، دلیل موفقیت‌های نسـبی و موقتی در مورد اسـتفاده از کالاهـای داخلـی، بـه جایگاه مسـتحکم دیـن در بیـن ایرانیان مربوط می‌شـد. در بخـش سـلبی نیز بـا تأکیـدات خطبا و نویسـندگان رسـالات مذهبـی، در مقاطعـی از تاریخ قاجار، استفاده از کالاهای فرنگی تحریم می‌شدند.

زمانی که گفته می‌شود از تولیدات داخلی، بر اساس آموزه‌های دینی و بیدارسازی غیرت مذهبی حمایت می‌شد، نباید این‌گونه تصور شود که همانند عصر حاضر، کالاهای جایگزین داخلـی و بدیل‌هـای متعدد برای مردم وجود داشـته اسـت، بلکه مردم ناگزیـر بودند به خاطر پایبنـدی خـود به مذهب، از برخـی کالاها و خدمات دارای منشـاء فرنگی صرف نظر کنند و در راسـتای حمایت از شـیعیان در برابر سـیطره اقتصادی اجانب، ایستادگیِ همراه با تحمل بعضی محدودیت‌ها داشته باشند.

۲ـ۲. حمایت‌های استعمارستیزانه

فحـوای اعتقـادیِ مبـارزه بـا اسـتعمار، موجـب شـده بـود علمـای دوره قاجار با خوانشـی وظیفه‌محـور از ایـن تقابـل، درصـدد حفظ اسـتقلال جامعه و جلوگیری از تسـلط کفـار بر بازار مسـلمانان برآیند. علما به‌خوبی دریافته بودند نفوذ خزنده اسـتعمار بـر اقتصاد ایران، علاوه بر فروریختن تدریجی پایه‌های اقتصاد در ابعاد خُرد و کلان آن، حس اعتماد به توان داخلی را نیز از بین خواهد برد. لذا با مشاهده فعالیت‌های استعماری دول اروپایی در ایران، تحریم کالاهای خارجی را یکی از مصادیق مبارزه با استعمار دیده و بر این کار اهتمام ویژه‌ای نشان دادند.

طبیعی بود در شرایطی که امکان مبارزه نظامی با استعمارگران مهیا نبود و شاه ایران نیز اقتدار گذشته را نداشت،[1] مسئولیت علما در این دوره، سنگین‌تر شده بود و حداقل کاری که می‌توانستند انجام دهند، کاستن از عوارض حضور بیگانگان در اموری مانند اقتصاد بود. گزارش‌ها نشان می‌دهد استعمارستیزی، یکی از مبانی مهم برای حضور علما در صف اول حمایت از تولیدات داخلی بوده است.

علما همواره برای نفی سلطه بیگانه بر مقدرات مسلمین، به آیه ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۱۴۱) استناد می‌جستند و بر مبنای تصریحات قرآن و احادیث معصومین علیهم‌السلام، وظیفه خویش می‌دانستند که در جهت سد سبیل کفار بکوشند. (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴، ص۷۶)

۲ـ۳. حمایت بر مبنای ایران‌گرایی

در دوره قاجار، عامل دیگری به نام ایران‌گرایی نیز در روند ترغیب مردم برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی، ایفای نقش می‌کرد. هرچند این عامل، نسبت به عامل اول، از اهمیت کمتری برخوردار بود، اما نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ چراکه برخی از ایرانیان، دارای حس ایران‌گرایی عمیقی بودند. بسیاری از آنها نیز همزمان به مذهب و ایران‌گرایی تعلق خاطر داشتند و همین امر، تمایل آنها برای استفاده از تولیدات داخلی و تحریم کالاهای غربی را دوچندان می‌کرد. ضمن اینکه ایرانیان در بخش اعظم دوره حکومت قاجار، طعم تلخ خیانت‌ها و خسارت‌های غربیان را چشیده و اعتماد خود را به این عناصر از دست داده بودند.[2]

علما با استفاده از ظرفیت میهن‌پرستی موجود در بین ایرانیان، علاوه بر اتکا به حساسیت‌های مذهبی، سعی کردند در مواردی، حساسیت‌های ملی را برای عده‌ای

۱. لازم به ذکر است لفظ «شاه» در دوره صفوی پیش از نام سلاطین صفویه می‌آمد مانند «شاه اسماعیل»، «شاه طهماسب»، «شاه عباس»، «شاه صفی»، «شاه سلیمان» و... اما بعد از سقوط صفویان و در ادوار افشار و قاجار و پهلوی دیگر هرگز به این صورت ادا نشد و نام فرد در ابتدای عبارت می‌آمد. مانند «نادرشاه»، «فتحعلیشاه»، «ناصرالدین شاه»، «احمد شاه»، «رضا شاه» و...

۲. ساویج لندور (در دوره مظفرالدین شاه از ایران دیدار داشته است) در مورد خاطرات تلخ ایرانی‌ها از نحوه برخورد اروپائیان می‌نویسد: «در آسیا ملتی یافت نمی‌شود که به اندازه ایرانیان از رفتار و ماجراجویی های شرم آور اروپائیان آسیب دیده باشد. ایران و بهتر بگویم مردم ایران قربانی تکبر و خودخواهی توخالی و گرفتار دغلکاری اروپائیان بوده‌اند. دوز و کلک هایی که اروپائیان بر سر مردم ایران سوار کرده‌اند شنیدنی است» (ساویج اندور، ۱۳۸۸: ۱۰۱)

برانگیزند تا شاید از طریق ملی‌گرایی بتوانند کمکی به دین و استقلال یک کشور مذهبی بکنند. سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، از سخنرانان پرشور و فعال عصر مشروطه، یکی از علمایی بود که بر این دو جنبه تأکید داشت و به مردم می‌گفت: «شما دو چیز دارید که باید قدرش را بدانید و حفظ کنید: اول اسلام و دوم ایران. از بابت دین، اهل قرآن هستید و قائل به کلمه «لا اله الا الله» و تمامتان از پادشاه و وزیر و علماء، حجت الاسلام و طلاب و تاجر و کاسب و نوکر و اهل زراعت از زن و مرد، تمام باید دین‌تان از روی قرآن باشد و از بابت دنیا، اهل ایرانیم. تمام باید ترتیب‌مان به ترتیب ایران باشد. مسلمان، آدم چه قدر بی‌غیرت باشد که لباس و زبان خودش را رها (کند) و دست بردارد، لباس فرنگی را بپوشد و زبان فرنگی را حرف بزند». (یغمایی، ۲۵۳۷، ص۱۲۱)

۳. حمایت‌های عملی از تولیدات داخلی

اقتصاد بیمار قاجار، از توانایی لازم برای برقراری توازن در روابط تجاری برخوردار نبود. این عدم توازن به‌ویژه در نیمه دوم حکومت قاجار بیشتر به چشم می‌آمد. در مقایسه با تأکیداتی که در این دوران بر استفاده از تولیدات داخلی می‌شد، دراین‌زمینه کمتر پیشرفت حاصل شد؛ زیرا توان تولید داخلی و تنوع محصولات در حدی نبود که نیازهای به‌روزشدهٔ مردم را پاسخگو باشد. بااین‌حال، سائق‌هایی وجود داشتند که مردم را به سمت استفاده از تولیدات داخلی هدایت می‌کردند.

مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گروه در زمینه حمایت از تولیدات داخلی در عصر قاجار، علمای این دوره بوده‌اند. از ماجرای تحریم تنباکو، به‌عنوان اولین رویارویی بزرگ علما با حکومت قاجار و اروپائیانی یاد می‌شود که به دنبال امتیازات اقتصادی بودند. این تقابل، نه بر اساس یک برنامه‌ریزی راهبردی، بلکه بیشتر یک واکنش آنی و صرفاً با یک فتوا در برابر اعطای یک امتیاز اقتصادی به غیرمسلمانان بوده است. گفته شده است که تا قبل از قیام تنباکو، قباحت و زشتی معامله و سلطه اقتصادی اجانب به بازار مسلمین، بر همگان معلوم نبود (نجفی، ۱۳۷۱، ص۲۹)؛ اما با گذشت زمان، علما خطر سلطه اقتصادی غرب را پشت دروازه‌های خود احساس کردند و با رواج کالاهای خارجی در بازار ایران، اقدامات آنها هم

وجوه دیگری به خود گرفته و نقطه‌زنی‌هایی دراین‌زمینه انجام شد. نگرانی اصلی علما، به خطر دین‌زدایی مربوط می‌شد که بلافاصله پس از سلطه اقتصادی غرب بر جامعه ایران قابل تصور بود.[1] به همین خاطر، ظلم‌ستیزی علما در دوره قاجار، شالوده ایدئولوژیکی داشت و از باورهای شیعی نشئت می‌گرفت.

۳ـ۱. حمایت‌های پیش از دوره ناصری

تا قبل از آغاز حکومت ناصرالدین شاه، جامعه ایران، ارتباط گسترده‌ای با دنیای غرب نداشت. به همین علت، اقتصاد ایران نیز کمتر از اقتصاد غرب تأثیر می‌پذیرفت و تنش‌ها دراین‌زمینه کمتر پیش می‌آمد. ضمن اینکه به نظر می‌رسد در آغاز تحرکات استعماری روسیه و انگلیس، برخی از مردم ایران، تصور درستی از شیوه‌های استعماری و پیامدهای آن نداشتند. ازاین‌رو، در برابر اشباع تدریجی بازار ایران از اجناس خارجی، کمتر واکنش نشان می‌دادند. اما از همین دوران نیز گزارش‌هایی در دست است که نشانگر هوشیاری و آینده‌نگری علما در قبال سلطه اقتصادی غرب است.

فتحعلی شاه، که احترام زیادی برای علما قائل بوده[2] و عالم بزرگی مانند سید جعفر کشفی، او را با عبارتی نظیر «مروج مذهب تشیع» معرفی کرده است (دارابی کشفی، ۱۳۸۱، ص۳۱)، استفاده از شال‌های کشمیری را ممنوع کرد یا تقریباً آن را محدود به شاهزادگان هم‌خون و تعدادی از افراد سطح بالا نموده بود. گفته می‌شود این فرمان، در اصل به این دلیل صادر شده بود که بر منافع کارگاه‌ها و تولیدگران کرمانی افزوده شود و کارشان بهبود یابد. (جونز بریجز، ۱۳۹۷، ص۷۴)

۱. به خصوص انتشار خبر اظهارنظر «گلادستون» موجب شده بود این نگرانی‌ها عینیت بیشتری برای علما داشته باشد. گلادستون صدر اعظم انگلیس در کرسی نطق مجلس اعیان، قرآنی از بغل خود درآورده و گفته بود: «تا از این کتاب آسمانی در عالم اسمی باقی است، ما نباید بدوام و بقای مستملکات خود مطمئن باشیم» (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۱۱۰) لنین هم با ادبیاتی مشابه به این نکته اشاره کرده بود که تا مشرق زمین علاقه به دیانت دارد مرام ما پیشرفت نمی‌کند (هدایت، ۱۳۶۱: ۳۸۰) همچنین سرادواردگری گفته بود: «تا قرآن پیغمبر عرب در روی زمین پیروانی دارد نفوذ و سلطه بریتانیای کبیر در مخاطره خواهد بود.» (فراهانی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۵۰)

۲. زمانی که فتحعلی شاه به زیارت حرم حضرت معصومه ﷺ می‌رفت از موکب خود پیاده شده و افسار یابوی میرزای قمی را (که به استقبال او می‌آمد) می‌گرفت و نمی‌گذاشت میرزا از مرکب اش پیاده شود تا او را به در حرم برساند. (کاظمی موسوی، ۱۳۹۷: ۲۲۱)

۳ ـ ۲. حمایت‌های پس از دوره ناصری

با شروع حکومت ناصرالدین شاه و آغاز تعاملات گسترده ایران و دنیای غرب، تمایل برای توسعه اقتصادی، در وجود بسیاری از ایرانیان، از جمله سران دربار قاجاری و بدنه حکومت قاجار پدید آمد. اما ایرانِ سنتی آن روزگار، در مقایسه با اروپایِ صنعتی، متاعی برای عرضه نداشت و حتی اندک تولیدات خود را نیز پس از ورود کالاهای غربی به ایران، در خطر اضمحلال دید و به نظر می‌رسد بازار ایران رفته‌رفته با غلبه کالاهای خوش‌رنگ و لعاب، به تسخیر محصولات خارجی درمی‌آمد. طلیعه این تسخیر به‌صورت جدی در دوره ناصرالدین شاه بوده است.[1] به‌عنوان یک نمونه، در مورد یک شهر کوچک مانند اراک، مشاهدات هنریش بروگش که در دوره ناصرالدین شاه در ایران بوده، حاکی از این است که «در دکان‌های سلطان‌آباد (اراک)، کالاهای لوکس خارجی زیادی وجود داشته است». (بروگش، ۱۳۶۷، ج۲، ص۳۳۴)

البته شرایط این گونه نبود که ایرانی‌ها خطر استیلای فرهنگ غرب را احساس نکنند، بلکه عموماً این خطر را دریافته بودند و در آن زمان به این نتیجه رسیده بودند که باید مزایای تمدن غرب را بگیرند و مضرات آن را رها سازند. اما غالباً راه حل مناسبی برای مقابله با آن نداشتند. علمایی که اطلاع بیشتری از شرایط روز داشتند، سعی می‌کردند در برابر غرب‌گرایی ایجادشده در جامعه، راهی پیش روی افرادِ مخالف با این جریان بگذارند.

در این میان، ظهور پدیده‌ای به نام «فرنگی‌مآبی»، به‌عنوان مظهر غرب‌زدگی، تا اندازه زیادی ذهن علما را به خود مشغول ساخته بود؛ زیرا تقلید از اجانب، خطر بزرگی برای دینداری مردم به شمار می‌آمد و ظاهراً برخی از علما، به‌درستی منشاء غرب‌گرایی برخی از ایرانی‌ها را شناسایی کرده بودند. مشاهده مظاهر تمدن غرب و اسیر مُدگرایی شدن، عاملی بود که به‌تدریج می‌توانست منجر به سرسپردگی در برابر فرهنگ غربی شود و جامعه ایران را از باورهای دینی خود منفک ساخته و به همان سمتی سوق دهد که غربی‌ها می‌خواهند.

۱. یک نکته درباره وضعیت اقتصادی دوره ناصرالدین شاه قابل ذکر است که به رغم استبداد ذاتی ناصرالدین شاه، مردم به لحاظ تأمین حداقل مایحتاج زندگی ظاهراً کمتر تحت فشار بوده‌اند. چراکه شخصیت ناصرالدین شاه به گونه‌ای بوده که در مورد نیازهای اولیه مانند خوراک مردم حساسیت داشته و مثلاً تمام عوارض را از نان و گوشت برداشته و حرام کرده بود. (اعظام قدسی، ۱۳۷۹: ۴۸) و در مجموع سعی می‌کرد اجازه ندهد اختیار امور از دست حاکمیت خارج شود.

در این شرایط، بسیاری از علما با آگاهی از وضعیت سیاسی ـ اقتصادی جامعه سعی کردند گامی در راه نجات ایران از آینده ناگواری که برای آن متصور بودند بردارند. هرچند به نظر می‌رسد عموم علما، در راه تشویق مردم به رساندن جامعه به خودکفایی نقش داشتند، اما برخی از آنان در این کارزار فرهنگی ـ اقتصادی، شاخص بوده‌اند. علما در این دوره، از چند طریق به پشتیبانی از تولیدات داخلی و نهی از مصرف کالاهای خارجی اقدام کردند.

۳ ـ ۲ ـ ۱. سخنرانی‌ها

در دوره قاجار، منابر مهم‌ترین نقش را در انتقال نظرات علما به مردم ایفا می‌کردند. با توجه به عدم تنوع رسانه‌ها در این دوره، جایگاه منابر علما در بین مردم، بسیار پُررنگ و مقبول بوده است. هرچند از دوره ناصرالدین شاه به بعد، روزنامه‌ها گسترش زیادی یافتند، اما این توسعه، خلل زیادی در توجه مردم به منبر علما ایجاد نکرد. در این دوره، با توجه به شرایط ایجادشده، سخنرانان معروف عصر قاجار، تأکید زیادی بر لزوم حفظ استقلال اقتصادی جامعه مسلمانان ایران در برابر غربی‌ها داشتند. علما با ایجاد انگیزه معنوی در بین قشر متدین جامعه، آنها را به استفاده از تولیدات وطنی دعوت و از استفاده از کالاهای دیگر ممالک منع می‌کردند. طبیعی بود که این روش در میان افرادی که به دنبال کسب رضای خداوند بودند، مؤثر واقع شده و رنگ و بوی مذهبی این عمل، موجب کشش آنها به این سمت شود. در بین واعظان دوره قاجار، چند چهره معروف دیده می‌شود که در باب حمایت از تولیدات داخلی و عدم وابستگی به بیگانگان به طور ویژه، سخنرانی‌های شورانگیزی داشته‌اند.

سید جمال‌الدین اسدآبادی یکی از اولین کسانی بود که سخنرانی‌های آتشینی درباره بازگشت به اسلام و تکیه به توان داخلی مسلمانان در زمینه‌های مختلف، اعم از اقتصاد داشت. او پیش از واقعه تحریم تنباکو، نامه‌ای به علما نوشته و آنها را علیه ناصرالدین شاه تحریک کرده بود. (تیموری، ۱۳۵۸، ص۵۸)

از دیگر چهره‌های نامدار در این عرصه می‌توان به سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، سخنران شوریده عصر قاجار اشاره کرد. او در کنار ترغیب مردم به استفاده از تولیدات داخلی، اتکا به کالاهای خارجی را نیز تقبیح کرد تا از این رهگذر، تلنگری به عده‌ای از مردم

وارد ساخته و آنها را به بومی‌گرایی و زیست اسلامی دعوت کند. مثلاً در سخنرانی در یک مراسم عزاداری گفته شده بود: «ماشاءالله، برای سوگواری، مجلس باشکوه و مفصلی برپا کرده‌اید! اما دریغ که حقیقت را رها ساخته‌اید و به ظواهر، دل خود را خوش می‌دارید. آخر آقایان تاجران، آقایان کتاب‌فروش‌ها، شرمتان نمی‌آید که هنوز قرآن، کتاب خدا را روی کاغذ مصنوع فرنگیان چاپ می‌کنید؟ چرا کارخانه کاغذسازی نمی‌آورید؟ چرا به فکر خودتان و پیشرفت خودتان نیستید؟ ...» (یغمایی، ۲۵۳۷، ص۱۸)

۳ـ۲ـ۲. کتاب‌ها و رسالات

آثار مکتوبی که در آنها به ضرورت تقویت اقتصاد داخلی تأکید شده بود، نقش مهمی در هدایت جامعه به سمت استفاده از کالاهای داخلی داشته است. کتاب‌ها و رسالات متعددی دراین‌زمینه نوشته شد که به نظر می‌رسد با توجه به شرایط کلی آن دوره، حداقل به لحاظ کمّی، بسیار جلب توجه می‌کند.

کتاب «هدایة الطالبین» از جمله کتب سیاسی است که به دست یکی از شاگردان میرزای شیرازی یعنی سید عبدالحسین لاری به نگارش درآمده و در آن، نسبت به نفوذ اقتصادی خارجیان در ایران هشدار داده شده است (نجفی، ۱۳۷۱، ص۱۲۰). همچنین افراد دیگری همچون: میرزا عباس یزدی در کتاب «آفتاب و زمین»، شیخ محمدعلی شاه‌آبادی در اثر خودش با عنوان «شذرات المعارف» و میرزا حسن‌خان انصاری در کتاب «نوشدارو یا دوای درد ایرانیان» نیز مطالبی دراین‌زمینه نوشته‌اند. (همان، ص۱۲۰ـ۱۳۰)

علاوه بر کتاب، رساله‌های مختلفی نیز از سوی علما در مذمت وابستگی جامعه و بازار مسلمین به اجانب به نگارش درآمد که آنها نیز به نوبه خود، نقش زیادی در جهت‌دهی به مردم ایفا می‌کردند. با گذار از دوره ناصرالدین شاه، به نظر می‌رسد وضعیت اقتصادی، بدتر هم شده است و با توجه به شخصیت ضعیف مظفرالدین شاه و در ادامه هم مشکلات و آشوب‌های سیاسی دوره محمدعلی شاه و احمد شاه، اقتصاد نیز رو به افول بیشتری گذاشت. علما هم به نسبت وخامت اوضاع، هشدارهای مکتوب بیشتری صادر کرده و تجار داخلی نیز در این کار با آنها همراهی می‌نمودند.

در دوره مظفری، که اقتصاد ملی در معرض شدیدترین حملات اقتصاد مهاجم قرار گرفته بود، تجار با استفاده از پیوندهای پیشین با علما، خطرِ غلبه بیگانه را هرچه بیشتر گوشزد کردند و علما که با تقیّد به معانی قرآنی نمی‌توانستند شاهد فروپاشی اقتصاد ملی و وابستگی مسلمین به بیگانگان باشند، نه تنها در راستای مقابله با تهدید اقتصاد ملی، قدم‌های عملی ویژه‌ای نظیر تحریم خرید کالاهای بیگانه و تحریص مردم به استفاده از امتعه وطنی و ملی برداشتند، بلکه کوشیدند تا از طریق نوشتن رسائلی در تبیین همین معنی، ضرورت‌های دینی مسئله را نیز با زبانی عامه‌فهم توضیح دهند. (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴، ص۷۶)

علما در قالب رساله‌های مختلف، با گوشزد کردن خطرِ چیرگی اقتصاد غربی بر بازار مسلمانان، بر استفاده از محصولات وطنی اصرار می‌ورزیدند. از جمله مهم‌ترین این رسالات، می‌توان به رساله بلندبالای سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، با عنوان «لباس تقوی» اشاره کرد که در آن با استناد به آیات قرآن و روایات، تأکید کرده بود نباید ایرانیان کالای خارجی را به مصرف برسانند. (حائری، ۱۳۶۴، ص۱۳۱) هشت تن از برجسته‌ترین رهبران روحانی و مراجع تقلید آن زمان، بر رساله «لباس تقوی» تقریظ نوشته‌اند. (حائری، ۱۳۶۴، ص۱۳۱) سید جمال‌الدین در این رساله با ظرافت خاصی، بین لباس تقوی، که به‌صورت مرتب از آن یاد می‌کند و آن را مایه عزت یک مسلمان می‌داند با پوشاک تولیدشده در داخل کشور، پیوندی برقرار ساخته و می‌نویسد: «ای کاش می‌دانستیم شرافت انسان، به انسانیت و علم است نه در لباس رعنا و جامه زیبا. شرافت این بود که احتیاج به دشمن نداشتیم. شرافت ما در پیروی اسلام بود. شرافت ما در پوشیدن لباس تقوی بود. لباس تقوی لباسی است که پوشیدنش باعث خوشنودی خدا و رسول باشد. لباس تقوی لباسی است که پوشیدنش باعث رواج بازار مسلمانان و کساد بازار تجارت کفار است». (واعظ اصفهانی، ۱۳۶۳، ج۲، ص۷۴)

در رساله دیگری نیز با عنوان رساله «جهادیه» اثر محمدکریم‌خان کرمانی (۱۲۲۵ـ۱۲۸۸ق) درباره اجتناب از وابستگی به غربی‌ها و تلاش برای شبیه شدن ظاهری به آنها و سپردن اختیار زندگی مسلمانان به اروپایی‌ها مطالبی به چشم می‌خورَد. (رحمانیان و حاتمی، ۱۳۹۶، ص۱۲۲ـ ۱۲۳)

همچنین سید عبدالحسین لاری، رساله‌ای به نام «رساله سؤال و جواب از مصرف اجناس خارجی» دارد که در آن، در پاسخ به سؤالی که درباره مصرف محصولات تولید کشورهای خارجی غیرمسلمان شده است، با استناد به آیات کریمه ﴿إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾ (توبه: ۲۸) و ﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (مائده: ۲) گفته شده: «امروز آنچه از پول از بلاد اسلامیه به بلاد خارجه می‌رود، اعانت به اعداء دین و استعداد کفار است برای ریختن خون اسلام و مسلمین، حرام است استعمال آنها سیاستاً و دیانتاً حفظاً للاسلام و المسلمین، مگر در صورت اضطرار و عدم وجود اشیاء وطنی اسلامی به‌هیچ‌وجه من الوجوه». (جعفریان، ۱۳۷۷، ص۲۴۹)

۳ـ۲ـ۳. صدور احکام و فتاوا و اعلامیه‌ها از سوی مراجع تقلید

برخی از فقهای بزرگ این دوره، با صدور احکامی در قالب نامه و اطلاعیه، وارد عرصه تقابل با نفوذ اقتصادی اجانب شدند. در جریان جنبش تنباکو، میرزای شیرازی با این تذکر که اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت و مخالطه و تودد آنها با مسلمین و اجرای عمل بانک و تنباکو و توتون و راه آهن و غیرها، از جهاتی چند، منافی صریح قرآن مجید است، با تسلط انگلیسی‌ها بر اقتصاد کشور مخالفت کرد.[۱]

علما حتی نیاز به انجام یک جهاد را از سوی ایرانیان در برابر چنین وضعیتی ضروری برشمردند. این فقها درباره پیامدهای استفاده از کالاهای خارجی، هشدارهایی جدی می‌دادند و جالب اینکه برخی از اصطلاحاتی که امروز در جامعه ایران رواج دارد، در آن دوره توسط این فقها به کار بسته شده است. از جمله اینکه در سال ۱۳۲۹ق از سوی دو عالم بزرگ یعنی محمدکاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی، اعلامیه‌ای منتشر شد که در آن از عبارت «جهاد اقتصادی» استفاده شده و این جهاد را به‌منزله جهاد و شهادت در رکاب امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌داند. (نجفی، ۱۳۷۱، ص۵۸؛ به نقل از جریده نجف)

«اطلاعیه»هایی نیز از سوی برخی از علما صادر می‌شد. آقا نورالله اصفهانی، از مجتهدان اصفهان، که با شرکت در جنبش تنباکو، وارد فعالیت‌های سیاسی شد، در سال ۱۳۱۵ق، در تحریم کالاهای خارجی و مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی، اطلاعیه صادر کرد

۱. شیخ حسن اصفهانی کربلائی، تاریخ دخانیه، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

(فراهانی، ۱۳۸۵، ج۱، ص۳۶۷). همچنین چند سند اعلامیه در موضوع منع و تحریم استفاده از اجناس خارجی و روابط با بیگانگان در کتاب «متون، مبانی و تکوین اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران» تألیف موسی نجفی آورده شده است. (نجفی، ۱۳۷۱، ص۵۵ ـ ۸۲)

آخوند خراسانی در برنامه اصلاحی خویش در تحصیل خودکفایی ملی در امور اقتصادی و حمایت از تولیدات داخلی، در سال ۱۳۱۵ق به دعوت چند تن از علمای ایران، همراه با گروهی دیگر از مراجع تقلید، فتواهایی در تحریم کالاهای خارجی و حمایت از کالای داخلی و به‌منظور رفع نیاز کشور به بیگانگان، صادر کرد. (رضادوست و منتظرالقائم، ۱۳۹۷، ص۷۷)

۳ ـ ۲ ـ ۴. تأسیس شرکت اقتصادی

یکی از شاخصه‌های حمایت‌های علما از تولیدات داخلی، عملیاتی شدن و گذار این حمایت‌ها از مرحله ایضاحی و توصیه‌ای است. آنها علاوه بر سخنرانی‌ها، فتاوا و آثار مکتوب خودشان برای حمایت از توان اقتصادی داخلی ایران، به یک رشته اقدامات عملی نیز دست زدند تا علاوه بر انجام وظیفه عملی، الگونمایی برای جامعه نیز انجام داده باشند. از جمله کارهایی که با همت علمای عصر قاجار انجام شد، تأسیس شرکتی به نام «شرکت اسلامیه» در اصفهان بود. این شرکت، به ابتکار آقا نورالله نجفی اصفهانی[1] تأسیس شد و حتی شعبه‌هایی از آن شرکت، در شهرهای لندن، بادکوبه، سن‌پطرزبورگ، استانبول، بمبئی، قاهره و پاریس نیز دایر گردید (نجفی، ۱۳۷۷، ص۳۰)

در همین راستا، آخوند خراسانی، در تأیید شرکت اسلامیه که با هدف حمایت از صنایع داخلی و بی‌نیازی از بیگانگان تأسیس شده بود، علاوه بر خرید منسوجات آن، در تقریظ خود بر کتاب لباس تقوی نوشت: «بر مسلمانان لازم است که لباس ذلت (تولیدات خارج) را از تن بیرون کنند و لباس عزت را بپوشند.» آخوند خراسانی همچنین در نامه‌ای به مظفرالدین شاه، او را به حمایت از این شرکت تحریض نمود (رضادوست و منتظرالقائم، ۱۳۹۷، ص۷۷) حتی برخی معتقدند یکی از وقایع مهم دهه‌ای که به انقلاب مشروطیت انجامید، پیدایش شور و

۱. جهت کسب آگاهی بیشتر در مورد نقش آقا نورالله نجفی اصفهانی در حمایت از تولیدات داخلی در عصر قاجار به مقاله «اقتصاد مقاومتی و اندیشه تحریم از منظر حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی» رجوع شود.

شوق ملی برای ایجاد شرکت‌های صنعتی بود تا وابستگی به کالاهای وارداتی غربی را کاهش دهد و در نهایت، آن را از میان بردارد. (اشرف، ۱۳۵۹، ص۱۰۰)

۴. آثار حمایت علما از تولیدات داخلی در عصر قاجار

پشتیبانی گسترده علما از توان تولید داخلی و منع از وابستگی اقتصاد جامعه به بیگانگان، آثاری در پی داشت. البته نمی‌توان گفت آنها در این راه، به موفقیت‌های فوق‌العاده‌ای دست یافتند؛ چراکه امواج تلاش‌های آنها در راه اقناع عمومی برای ترغیب به استفاده از محصولات ساخت داخل، بعضاً با صخره‌های بزرگی از بی‌اعتمادی به توان داخلی برخورد می‌کرد. این بی‌اعتمادی، به‌ویژه در میان روشنفکران بیشتر دیده می‌شد. بااین‌حال اقدامات علما، آثار قابل توجهی به‌خصوص در دمیده شدن روحیه اعتمادبه‌نفس ملی و جدا ساختن اذهان بخشی از افراد جامعه از میل به وابستگی روزافزون به تمدن و اقتصاد مغرب‌زمین داشت. همچنین عمدتاً متدینین جامعه، با رهنمودهای علما، استفاده از اجناس خارجی را محدودتر می‌کردند.

شخصیتی تأثیرگذار همانند امیر کبیر نیز از پارچه خارجی استفاده نمی‌کرد (هدایت، ۱۳۶۳، ص۷۲). اطلاع دقیقی نداریم امیر کبیر این اقدام را تحت تأثیر توصیه‌های علما انجام می‌داد یا خیر؛ اما آنچه مسلم است اینکه علما نفوذ عجیبی بر اذهان و اعمال مردم داشتند و با استناد به آیات و روایات، جهت‌دهی مطلوبی به تحرکات مردم می‌دادند.

لازم به ذکر است علما در کنار تحریم تولیدات خارجی، بر عدم استفاده از بخش خدماتی بیگانگان نیز تأکید داشته و مستقیماً از عملکرد حکومت ایران در به‌کارگیری مدیران خارجی در بخش‌های اقتصادی و اداری کشور انتقاد می‌کردند. مرندی دراین‌زمینه با اظهار ناخشنودی از این سیاست حکومت می‌گفت: «استخدام و مباشرت دادن به کفار و دشمنان خدا و پیغمبرﷺ و بدخواهان اسلام در امور مسلمین و کارهای مملکت (باعث شده که) امروز تمامی دوایر دولتی اسلام، حتی بیت‌المال مسلمین نیز در دست کفار است. هر قسم که بخواهند تصرف و تحکّم می‌نمایند و اختیاری برای مسلمین باقی نمانده است». (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴، ص۲۴۴)

شـاید پـس از واقعـه تنبـاکـو، ماجـرای اولتیماتوم روس‌ها بـه ایران، از نقـاط عطف مهم در تاریـخ استعمارسـتیزی ایرانیـان محسـوب می‌شـود. ایـن حرکت نیـز به رهبـری علما صورت پذیرفـت. نکتـه مهم در نوع مواجهه علما با این اولتیماتوم ننگ‌آورِ روس‌ها برای ایران، تحریم اسـتفاده از کالاهـای روسـی بـود. قضیـه از این قرار بـود که در جریـان درگیری مورگان شوسـتر آمریکایی با قزاق‌های روس در باغ شعاع‌السـلطنه، روس‌ها اولتیماتومی صادر کرده و از ایران خواسـتند مـورگان شوسـتر سـریعاً از ایـران اخراج شـده و از این بـه بعد، ایران بـدون رضایت دولت روس، مستشار خارجی استخدام نکند و وزیر خارجه ایران رسماً به سفارت بیاید و از روس‌ها عذرخواهی کند. انتشار خبر این اولتیماتوم، موجب خشم مردم شد و علما استفاده از کالاهای روسـی را ممنوع کردند و دانشـجویان علیه روسیه شعار دادند. (بهشتی‌سرشت، ۱۳۸۰، ص۲۴۸ ـ ۲۴۹)

از همـان روز وصـول خبـر تلگـراف اولتیماتـوم دادن روس‌ها و ورود قشـون روس بـه ایران، طلاب در خانه آخوند خراسـانی، در مورد خطر اسـتیلای روس‌ها بحـث کردند (نظام‌الدین‌زاده، ۱۳۷۷، ص۴۵ ـ ۴۶). در آن قضیه، شیشه‌های مغازه‌هایی که کالاهای روسی می‌فروختند شکسته شـد و مردم از تراموا به تصور اینکه متعلق به روس‌ها اسـت استفاده نمی‌کردند (در این میان، وزیـر مختـار بلژیک، از این امر برآشـفته شـده بود، چـون تراموا متعلق به بلژیـک بود) آن روزها چون بیشـتر چای تهران از روسـیه وارد می‌شـد، سـعی و مواظبت تمام می‌شـد که کسی چای نخورد، اگرچه چای هندوسـتان باشـد (شوسـتر، ۱۳۶۲، ص۲۳۰). به‌تدریج، دامنه تحریم‌ها بسـیار گسترده شد و تحریم اجناس و خدمات اروپایی در شمال و جنوب آغاز گردید. در ادامه این اعتراضات و در شیراز اجناس انگلیسی و کلیه معاملات تجاری با قشون این کشور نیز تحریم شد. علما، اسکناس‌های بانک بریتانیا را در این شهر نجس اعلام کردند و هر روز بیست هزار تومان اسکناس را به بانک برگرداندند. (آفاری، ۱۳۸۵، ص۴۲۷)[1]

لازم بـه ذکـر اسـت که برخی‌ها دربـاره موضوع اسـتفاده از تولیدات داخلی، گاه نادانسـته

۱. به نقل از:
Britain Great: Correspondence, no.۲۷۴, 13 December, ۱۹۱۱, Kazemzadeh, Russia and Britain in Persia, ۶۴۲, ۶۳۸, Shuster, The Strangling of Persia, ۱۸۴

به کارهایی دست می‌زدند که معقول نبود. معیرالممالک دراین‌زمینه می‌نویسد: «بعضی احمق‌ها را دیدم که چای نمی‌خورند و بعضی احمق‌ترها را دیدم که چای می‌خورند، ولی به جای قند، کشمش می‌خورند. چای هم که مال روس است. یا نخور، یا اگر می‌خوری با کشمش چرا؟». (معیرالممالک، ۱۳۶۱، ص ۱۲۸)

نتیجه‌گیری

اقتصاد ایران از اواسط دوره قاجار، به شکل جدی تحت تأثیر حضور محصولات غربی در بازارها قرار گرفت. در این شرایط، علما همانند گذشته با انگیزه‌های مذهبی و برای صیانت از دین، وارد عمل شده و در برابر سلطه اقتصادی روزافزون غرب بر ایران واکنش نشان دادند؛ چراکه آنها سیطره اقتصادی را زمینه‌ساز سیطره سیاسی ـ فرهنگی می‌دانستند.

یکی از دلایل اصلی ایجاد قدرت کنش‌گرایی علما در مورد حمایت از استقلال اقتصادی، جانب‌داری مردم از مواضع آنها بوده است. فقهای بزرگ این دوره، با اتکا بر حمایت‌های مردمی، در میدان مبارزات سیاسی ـ اقتصادی حضور یافته و علناً به مسئله امتیازدهی به بیگانگان و اشباع بازارهای ایران از محصولات خارجی واکنش نشان دادند.

علما در منابر و نوشته‌های خود، با تشریح خطر وابستگی اقتصادی به غرب، سعی می‌کردند توضیحاتی اقناعی ارائه دهند تا در نهایت با حمایت مردم از برنامه آنها در جهت تقویت اقتصاد، موجبات استحکام دین را فراهم آورند. حتی در کنار این توصیه‌ها، با ورود مستقیم به بخش تولید، کارخانه‌هایی را تأسیس کردند که بتواند پاسخگوی بخشی از نیازهای مردم باشند.

علما گاه با ادبیاتی امیدبخش، مردم را به تلاش برای افزایش تولیدات داخلی ترغیب می‌نمودند و گاه با ادبیاتی سرزنش‌گر، استفاده از کالاهای خارجی را منع می‌کردند. در این رویارویی، واژگان کلیدی علما، لزوم تلاش برای عدم پذیرش استیلای اقتصادی غرب بوده است؛ زیرا آنان معتقد بوده‌اند سلطه اقتصادی بیگانگان در نهایت، موجودیت یک مملکت اسلامی را هدف قرار خواهد داد. البته آنها مشکلات زیادی هم دراین‌زمینه داشتند؛ از جمله اینکه در زمینه تولیدات داخلی باید نمونه و بدیلی هم‌تراز با محصولات خارجی

ارائه می‌کردند. اما ساختار اقتصادی و نظام تولید در ایران، نابسامان‌تر از آن بود که بشود در این باره، حتی از جنبه تبلیغاتی آن، مصادیق قابل توجهی ارائه داد. بااین‌حال، تلاش‌های علما دراین‌زمینه، آثار مثبت فراوانی داشته است که آگاه شدن نسبی جامعه از خطر سلطه اقتصادی غرب و اراده جمع قابل توجهی از مردم برای مقابله با آن، از جمله مهم‌ترین این آثار بوده‌اند.

مجاهدت‌های علما در حمایت از تولیدات داخلی و راهی که پیش روی آیندگان ترسیم کردند، هم‌اکنون نیز جنبه بهره‌برداری داشته و می‌توان از آن تجربیات استفاده کرد. هرچند شرایط کشور ایران و نظام جهانی، تغییرات زیادی به خود دیده است، اما اصل ضرورت حمایت از تولید داخلی نه تنها کم‌رنگ‌تر نشده، بلکه با توجه به شرایط خاص ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی و تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم پایه‌ریزی اقتصاد مقاومتی، بسیار برجسته‌تر نیز شده است.

تأسیس شرکت اسلامیه، یکی از نمونه‌های انطباق‌پذیر اقدام ایرانیان در آن دوره برای ایران امروز محسوب می‌شود. تاریخچه مبارزه با سلطه اقتصادی بیگانگان، بیانگر غلبه تدریجی اراده جمعی در امر حمایت از تولیدات داخلی است؛ اراده‌ای که عامل برانگیزنده آن، هدایت علمای دین بوده است.

فهرست منابع

۱. اشرف، احمد، ۱۳۵۹ش، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران؛ دوره قاجاریه، تهران: انتشارات زمینه.
۲. اعظام قدسی (اعظام‌الوزاره)، حسن، ۱۳۷۹ش، خاطرات من یا تاریخ صد ساله ایران، تهران: نشر کارنگ.
۳. آفاری، ژانت، ۱۳۸۵ش، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه: رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
۴. بروگش، هینریش، ۱۳۶۷ش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه: محمدحسین کردبچه، تهران: انتشارات اطلاعات.
۵. بریجز، سرهارفورد جونز، ۱۳۹۷ش، گزارشی از دربار ایران، ترجمه: سید عبدالحسین رئیس‌السادات، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۶. بهشتی‌سرشت، محسن، ۱۳۸۰ش، نقش علما در سیاست؛ از مشروطه تا انقراض قاجار، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۷. تیموری، ابراهیم، ۱۳۵۸ش، تحریم تنباکو، تهران: انتشارات کتاب‌های جیبی.
۸. جعفریان، رسول، ۱۳۷۷ش، میراث اسلامی ایران، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۹. حائری، عبدالهادی، ۱۳۶۴ش، تشیع و مشروطیت در ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۰. دارابی کشفی، سید جعفر، ۱۳۸۱ش، تحفه الملوک، به کوشش: عبدالوهاب فراتی، قم: بوستان کتاب.
۱۱. رحمانیان، داریوش و حاتمی، زهرا، ۱۳۹۶ش، پنج رساله سیاسی از دوره قاجاریه، تهران: نشر علم.
۱۲. رضادوست، عصمت و منتظرالقائم، اصغر، ۱۳۹۷، «حیات علمی و فرهنگی و اجتماعی آخوند خراسانی»، فصلنامه تاریخنامه خوارزمی، ش۲۲، صفحات ۶۱ تا ۷۹.
۱۳. زرگری‌نژاد، غلامحسین، ۱۳۷۴ش، رسائل مشروطیت، تهران: انتشارات کویر.
۱۴. ساویج لندور، آرنولد هنری، ۱۳۸۸ش، ایران در آستانه مشروطیت، ترجمه: علی‌اکبر عبدالرشیدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۵. شوستر، مورگان، ۱۳۶۲ش، اختناق ایران، ترجمه: ابوالحسن موسوی شوشتری، تصحیح: فرامرز برزگر و اسماعیل رائین، تهران: انتشارات صفی علیشاه.
۱۶. طهرانی، مصطفی، ۱۳۸۵ش، سفرنامه گوهر مقصود، تصحیح: زهرا میرخانی، تهران: انتشارات میراث مکتوب.
۱۷. فراهانی، حسن، ۱۳۸۵ش، روزشمار تاریخ معاصر ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۱۸. فوران، جان، ۱۳۷۷ش، مقاومت شکننده، ترجمه: احمد تدین، تهران: انتشارات رسا.
۱۹. کاظمی موسوی، احمد، ۱۳۹۷ش، خاقان صاحبقران و علمای زمان، تهران: نشر آگاه.
۲۰. مراغه‌ای، زین‌العابدین، ۱۳۸۵ش، سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ، تصحیح: محمدعلی سپانلو، تهران: انتشارات آگه.
۲۱. مستوفی، عبدالله، ۱۳۸۴ش، شرح زندگانی من، تهران: انتشارات زوار.
۲۲. معیرالممالک، دوستعلی خان، ۱۳۶۱ش، وقایع الزمان، به کوشش: خدیجه نظام مافی، تهران: نشر تاریخ ایران.

۲۳. ناطق، هما، ۱۳۸۰ش، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران ۱۸۳۷ـ۱۹۲۱، تهران: انتشارات معاصرپژوهان.
۲۴. نجفی، موسی، ۱۳۷۷ش، اندیشه دینی و سکولاریسم در حوزه معرفت سیاسی و غرب‌شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۵. ـــــــــ، ۱۳۷۱ش، متون، مبانی و تکوین اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۶. نظام‌الدین‌زاده، سید حسن، ۱۳۷۷ش، هجوم روس و اقدامات رؤسای دین برای حفظ ایران، به کوشش: نصرالله صالحی، تهران: انتشارات شیرازه.
۲۷. هدایت، مهدی قلی‌خان، ۱۳۶۱ش، خاطرات و خطرات، تهران: نشر کتاب‌فروشی زوار.
۲۸. ـــــــــ، ۱۳۶۳ش، گزارش ایران، به اهتمام: محمدعلی صوتی، تهران: نشر نقره.
۲۹. واعظ اصفهانی، سید جمال‌الدین، ۱۳۶۳ش، رؤیای صادقه، به کوشش: صادق سجادی و هما رضوانی، تهران: نشر تاریخ ایران.
۳۰. یغمایی، اقبال، ۲۶۳۷ پهلوی، سید جمال واعظ اصفهانی، شهید راه آزادی، تهران: انتشارات توس.
31. Great Britain: Correspondence, no.274, December 13, 1911, Kazemzadeh, Russia and Britain in Persia, 642, 638, Shuster, The Strangling of Persia, 184.